

تکالیف ضابطين قضايي نسبت به شخص تحت نظر با رويکرد آموزشي

سعید عطازاده^۱

جلال انصاری^۲

نجات امیری^۳

چکیده

با توجه به اینکه در مرحله تحت نظر، پلیس صلاحیت تحت نظر قرار دادن افراد مظنون را دارد و می‌تواند به گردآوری دلایل ضروری به منظور کشف حقیقت بپردازد، حقوق شخص تحت نظر نسبت به سایر مراحل فرایند کیفری بیشتر در معرض تضییع قرار می‌گیرد، آموزش حدود وظایف و تکالیف ضابطين قضايي نسبت به شخص تحت نظر در راستای حفظ حقوق متهم به عنوان عضوی از جامعه امری لازم به نظر می‌رسد. لذا این تحقیق با هدف بررسی تکلیف و وظایف ضابطين، در قبال شخص تحت نظر با رویکرد آموزشی صورت گرفته است. روش انجام این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده که عمدتاً با بهره‌گیری از منابع پژوهشی دست اول و خوانش منابع حقوقی و قانونی به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 انجام شده است. با توجه به اینکه اولین برخورد مقامات قانونی در امور کیفری با جرایم ارتكابي، توسط ضابطين صورت می‌پذیرد، چنانچه این

1- دکترای حقوق کیفری، استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا
saeidbahjat@yahoo.com

2- دکترای حقوق کیفری و مدرس دانشگاه

3- کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات و امنیت انتظامی و دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور

Nejat.amiri@gmail.com

برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری، اجرای دقیق حقوق و تکالیف، نکته سنجی، ارائه آموزش و آگاهی بخشی نسبت به حقوق شخص تحت نظر و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاد خواهد شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مطابق قانون آئین دادرسی کیفری جدید مقررات و تکالیفی برای دفاع از حقوق متهم تحت نظر پیش‌بینی شده است، آموزش ضابطین قضایی در جهت هرچه بهتر انجام دادن وظایف و تکالیف قانونی و همچنین آموزش و اطلاع‌رسانی حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطین قضایی و تکلیف قانونی نسبت به رعایت حقوق شخص تحت نظر در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوق کیفری ضروری به نظر می‌رسد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطین دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات رادر بر می‌گیرد و شامل تکالیف به حفظ آزادی‌های افراد، مطلع کردن شخص از عنوان اتهام، اطلاع به خانواده شخص تحت نظر و دیگر موارد است که همگی در جهت سازماندهی به وظایف ضابطین در جهت قانونمند کردن آن می‌باشد.

کلید واژه ها: شخص تحت نظر، ضابطین قضایی، تکالیف قانونی، حقوق متهم، آموزش ضابطین

مقدمه

تحت نظر ناظر به مرحله‌ای است که مظنون در بازداشت نیروهای پلیس به سر می‌برد. تحت نظر، اختیار و نه حقی است که به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، افراد مظنون به ارتکاب جرم را برای مدتی که امروزه در بسیاری از کشورها با لحاظ شدت مجازات جرم یا نوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود، به منظور حصول نتایج مورد نظر قانون‌گذار در اماکن پلیس نگهداری کنند. غالباً در جریان تحت نظر پلیس می‌تواند به جمع‌آوری دلایل ضروری پردازد و مانع از بین رفتن آثار و دلایل جرم و گسترش دامنه

پیامدهای آن گردد. این در حالی است که گفته می‌شود شخص تحت نظر، به دلیل برخی محدودیت‌ها و شرایط و بعضاً برگزاری جلسات استماع و بازجویی متعدد از سوی نیروهای پلیس در این مدت، در وضعیتی ناپایدار، معلق و در موضع ضعف قرار دارد (آشوری، سپهری، 1392، ص 6)

حقوق متهم تحت نظر به عنوان عضوی از شهروندان جامعه از الزامات فرآیند دادرسی کیفری است و توجه به این حقوق از ابزارهای حفظ کرامت و جایگاه انسانی و در جهت نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه است که انسان‌ها از چه ارزش و جایگاهی برخوردار هستند. به منظور عملیاتی شدن فرایند کشف جرم، قانون‌گذار اختیار و تکالیفی به ضابط دادگستری اعطا کرده است. یکی از مهمترین اختیارات ضابط دادگستری، تحت نظر قرار دادن اشخاص است. ضابطان دادگستری بنابر ضرورت تحقیقات و مطابق با شرایط و تشریفات خاصی اختیار سلب آزادی اشخاص را به دست می‌آورند. در این موقعیت است که حقوق و آزادی‌های اشخاص رویاروی حقوق و منافع جامعه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه در این مرحله، پلیس صلاحیت تحت نظر قرار دادن افراد مظنون را دارد و می‌تواند به گردآوری دلایل ضروری به منظور کشف حقیقت پردازد، حقوق فرد مظنون نسبت به سایر مراحل فرایند کیفری بیشتر در معرض تضییع قرار می‌گیرد.

در نظام کیفری ایران به دلایل مختلف در گذشته اقدامات مؤثری در جهت رعایت حقوق متهم تحت نظر آنچنان که باید مورد توجه قرار می‌گرفت، صورت نگرفته بود، اما در قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب 1392 مقرراتی برای دفاع از حقوق متهم تحت نظر پیش‌بینی شده است. حفظ حقوق متهم تحت نظر در نظام حقوق کیفری و حقوق اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، زیرا حفظ این حقوق در جهت حفظ کرامت، شخصیت و جایگاه اجتماعی متهم در قانون و اجتماع است و از تخریب شخصیت و جایگاه والای انسانی افراد جلوگیری می‌کند. در تمام نقاط جهان در روابط سالم اجتماعی اصل بر حفظ حیثیت و شأن اجتماعی افراد است، اما نگرانی از آن زمانی آغاز می‌شود که

پاره‌ای از ارزش‌های منفی در جامعه توسط ضابطان عدلیه و مجریان قانون رواج پیدا می‌کند و در نتیجه از طرفی حیثیت افراد جامعه و انسان‌های با کرامت و از طرفی حیثیت حاکمیت که ماموران آن اینگونه عمل می‌کنند به مخاطره می‌افتد.

این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال است ضابطان قضایی برای ایفای بهتر تکالیف و وظایف قانونی خود در قبال شخص تحت نظر که در فرایند تحقیقات مقدماتی با آن مواجه اند، چه آموزش‌هایی را باید در مقام ایفای وظایف ضابطیت ببینند؟ قدر مسلم آن است که، هدف اصلی از آموزش ضابطان قضایی برای بهتر انجام دادن وظایف ضابطیت و رعایت حقوق شخص تحت نظر و آگاهی بخشی به اشخاص تحت نظر نسبت به حقوق شهروندی و حقوق ویژه آنان در فرایند تحقیقات مقدماتی است، بنابراین بر خلاف قانون قدیم دیگر هر شخصی یا نهادی یا نیرویی، صالح برای ایفای مقام ضابط قضایی نمیباشد بلکه برای نیل به این مقصود بایستی نیروهایی را ضابط قلمداد کرد که آموزش‌های لازم را دیده باشند همچنین در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 تبیین حدود وظایف و اختیارات ضابطان در جرایم مشهود، اعتبار اقدامات ضابطان در این جرایم پس از حضور مقام ضابط قضایی، تفکیک وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطان دیده شده است، از طرف دیگر ضمانت اجرای عدم یادآوری و آگاهی بخشی حقوق متهمان یا مظنونان و اشخاص تحت نظر در فرایند تحقیقات مقدماتی از جمله مواردی است که تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری بدان پرداخته اند، بنابراین نگارندگان معتقدند نه تنها آموزش ضابطان قضایی نسبت به حقوق و تکالیف قضایی خود در مقام ضابطیت دغدغه قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید بوده، بلکه آموزش، آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی حقوق شخص تحت نظر نیز از وظایف و تکالیف ضابطان قضایی می‌باشد که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه پژوهش درمی‌یابیم که چندین مقاله در این مورد نوشته شده است که هر کدام به طریقی سعی در بررسی این موضوع داشته‌اند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

حیدری (1394) در پژوهش خود تحت عنوان حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان به بررسی انواع حقوق متهم در قوانین دو کشور پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده که تحت نظر گرفتن متهم در جرایم مشهود یکی از مهمترین اختیاراتی است که به موجب قانون به ضابطین دادگستری اعطا شده است. این تأسیس قانونی، منجر به سلب آزادی رفت و آمد متهم شده و وی را در مقابل جامعه و نمایندگان آن قرار می‌دهد. مسلماً آنچه که تحت نظر را ایجاب می‌کند، مصلحت اجتماعی است که مقتضی تلاش در جهت تحصیل دلیل، کشف حقیقت مطلق و شناسایی مجرم واقعی در دادرسی‌های کیفری است. بدین ترتیب در دوران تحت نظر نیز همچون جای دادرسی کیفری، مصالح اجتماعی در تعارض با حقوق و آزادیهای فردی قرار می‌گیرند و این هنر قانون‌گذار دادرسی کیفری است که قادر به ایجاد توازن و تعادلی هرچند نسبی میان این دو باشد. حق سکوت، تفهیم اتهام، حق برخورداری از وکیل و نیز حق آگاه‌سازی خانواده و معاینه بقسط پزشک، مهمترین حقوقی هستند که در قانون جدید دادرسی کیفری برای متهم تحت نظر، پیشبینی شده‌اند. لذا قانون‌گذار دادرسی کیفری اقدام به ضابطه‌مند کردن دوران تحت نظر نموده و حقوق دفاعی متهم و تکالیف ضابطین دادگستری را موضوع مواد قانونی قرار داده است.

آشوری و سپهری (139) نیز در مقاله خود تحت عنوان بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه به بررسی شرایط حاکم بر این مرحله و وظایف ضابطان و حقوق متهمان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نشان از تلاش قانون‌گذار ایران برای رفع خلأهای قانونی موجود در باره وضعیت و سرنوشت متهم بازداشتی است.

بندهایی از ماده واحده این قانون که بدان اشاره شد به موضوع وضعیت شخص تحت نظر می‌پردازد. با این حال به دلیل کاستی‌های این قانون که مهم‌ترین آن فقدان ضمانت اجرای مناسب در مورد تخلف مأموران و مقامات مسئول در انجام ام‌وظایف و تکالیف قانونی است، بیشتر قواعد تعیین شده برای حمایت از شخص تحت نظر در قانون فرانسه، در قانون آ.د.ک نیز با تغییراتی آورده شده است.

همچنین مطالعه و تطبیق مواد مرتبط، مؤید این مطلب است که جزئیات فراوانی از جمله در امکان تمدید مدت تحت نظر متناسب با شدت و شرایط جرم و برخی حقوق متهم در این مدت و استثنائاتی که نسبت به پاره‌ای از این حقوق وضع گردیده، مغفول مانده که این امر باعث می‌گردد تا در عمل این وضعیت با شرایط و منافع عمومی جامعه سازگار نباشد. کوشکی و سهیل مقدم (139) در تحقیق دیگری که با موضوع مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا که توسط به نگارش در آمده تلاش بر این بوده تا با بررسی نظام حقوقی دو کشور، بحث شفافیت ضوابط و تشریفات تحت نظر و حقوق متهم در دو کشور بررسی شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به آنکه شخص تحت تعقیب مشمول امتیاز اصل برائت میگردد و هنوز مجرمیت او مسجل نشده است، می‌بایست حقوق دفاعی مناسبی برای وی در نظر گرفت. در همین راستا قانون‌گذاران هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده تلاش نموده‌اند که با اختصاص دادن ضوابط و مقرراتی شفاف در جهت تحت نظر قراردادن اشخاص، نه تنها موارد تحت نظر را کاهش دهند بلکه در جهت امنیت فردی و حقوق مرتبط با آن، تضمینات بیشتری را فراهم آورند. با عنایت به آنکه در حقوق آمریکا تأسیسی به اسم تحت نظر وجود ندارد، می‌توان جلب و دستگیری پلیسی را معادل تحت نظر قلمداد کرد که با تحقق یافتن الزامات و شرایط مقرر، مأموران حق دستگیری اشخاص را خواهند داشت. به هر حال در پارهای از مواقع، بنا بر ضرورت‌های اجتماعی و پاسداشت نظم عمومی، چاره‌های جزئوسل به تحت نظر نیست.

در راستای محدود نمودن اقدامات مأموران در سلب آزادی اشخاص در چارچوب قانونی مقرر، قانون گذاران هر دو نظام با اختصاص ضمانت اجراهای خاصی، مأموران را از هر گونه تحت نظر قرار دادن مغایر با مقررات منع نموده اند. با تطبیق صورت گرفته می توان به این نتیجه رسید که هریک از دو نظام تلاشهای شایسته و مؤثری را در جهت تضمین آزادی اشخاص و حفظ حقوق آنان هنگام تحت نظر واقع شدن، به عمل آورده اند. در پایان می توان مواردی همچون پیش بینی صریح حق سکوت در مرحله تحقیقات پلیسی، افزایش زمانی مشورت با وکیل، ثبت و ضبط گفتگوهای بازجویی، در نظر گرفتن مقررات شفاف در جهت صرف نظر نمودن از حقوق مقرر توسط شخص تحت نظر و نیز گسترده نمودن قلمرو جرایم مشهود را به نظام حقوقی ایران پیشنهاد کرد.

طاهری (139) با عنوان مطالعه تطبیقی حقوق فرد تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و انگلستان انجام گرفته است، محقق سعی کرده تا با بررسی نظام حقوقی دو کشور مواردی همچون حقوق ناظر بر مرحله دستگیری، حقوق ناظر بر مرحله نگهداری و حقوق ناظر بر مرحله بازجویی را مورد بررسی قرار دهد. یافته این پژوهش نشان می دهد که مرحله تحت نظر در شروع فرآیند کیفری، مرحله مهم و تأثیر گذار در نتیجه پرونده است. نابرابری وضعیت فرد تحت نظر و ضابطان و عدم ورود مقام قضایی در این مرحله، حقوق فرد را در معرض تضییع قرار می دهد و می تواند پایه و اساسی برای قضاوت و محکومیت نادرست ایجاد کند. چنان که بیان شد تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحت نظر قرار دادن افراد توسط ضابطان دادگستری نه به عنوان مرحله ای از فرآیند کیفری و مستلزم وضع مقررات و تشریفات خاص، بلکه به عنوان اختیاری برای ضابطان در جهت پیشبرد تحقیقات و پیشگیری از فرار متهم در جرایم مشهود تلقی می شد. مرادی (1397) در پژوهشی با عنوان «نقش ضابطین دادگستری در حفظ حقوق شهروندی» با امکان نظر به نقش ضابطین دادگستری به عنوان ارگان اجرای دستگاه قضاء، استفاده از ضابطان قضایی کار آزموده در مراحل مختلف دادرسی کیفری و رعایت حقوق

اساسی متهم در راستای تأمین اصل 32 قانون اساسی، انتخاب و بررسی موضوعی مرتبط با ضابطان دادگستری در فرایند دادرسی جرایمی گامی شایسته در جهت اجرای هر چه توانمند تر قوانین خواهد بود. اولین کسانی که با پدیده مجرمانه روبه رو می شوند ضابطان دادگستری بوده و اولین مرحله ای هم که ممکن است حقوق افراد تضییع شده و مورد تعدی واقع شود، مرحله کشف جرم و تعقیب آن است. بنابراین، در عین حال که ضابطان دادگستری نقش بسطی مهمی در کشف جرم و انجام تحقیقات مقدماتی دارند، خطر تضییع حقوق متهم لغز وجود دارد. حفظ حقوق شهروندی ارتباط تنگاتنگی با اقدامات و تصمیمات ضابطان دارد. پلیس به عنوان شاخص ترین مصداق ضابط و خط مقدم ارتباط با مردم، وظیفه تأمین نظم و اهمیت شهروندان را به عنوان یکی از مهم ترین مصداق حقوق عمومی بر عهده دارد.

صابر و دانش نژاد (1393) در پژوهشی با عنوان جایگاه آموزش ضابطان در فرایند دادرسی کیفری (با تأکید بر قانون جدید دادرسی کیفری 1392) بیان می دارند که آموزش به عنوان یکی از ساز و کارهای اصلی توسعه منابع اساسی در حوزه سازمان ها مورد توجه است. یکی از مهم ترین وظایف و مسئولیت های متولیان و مدیران آموزش در سازمان ها، افزایش سطح دانش و آگاهی منابع انسانی در ابعاد مختلف می باشد. برنامه ریزی مدون و نظامی مستقیم و جامع آموزشی، اساس و بستر دستگیری به آموزش یادگیری کننده مؤثر است که برای رسیدن به آموزش پایدار و مؤثر، مدیران آموزشی نظرمند هستند که سازمان خود را به سازمانی یادگیری کننده تغییر دهند؛ سازمانی که دارای توانایی ایجاد و کسب انتقال دانش باشد. ناجا، به عنوان نهاد اصلی و متولی امریت در داخل کشور، بنا بر صراحت قانون به عنوان ضابط عام دادگستری شناخته شده است. انجام چرخی مأموریت مهمی نظرمند آموزش دقیقی کارکنان مطابق با استانداردها و الزامات حقوق بشری است. متولی امر آموزش در ناجا، معاونت تربیت و آموزش ناجاست که آموزش ضابطان را در 3 سطح سربازی، درجه داری و افسری عهده دار می باشد. و نتایج تحقیق آنان نشان می دهد که

سرفصل‌های آموزشی مقاطع مختلف آموزشی اعم از سربازی، درجه داری و افسری با قانون جدید آیین دادرسی کفخی 92 تا حدودی همخوانی نداشته و نیاز به اصلاح و بازنگری دارد. منابع و متون چاپ سال تا سال 92 ناجا توسط معاونت تربیت و آموزش، هیچ اشاره‌ای به قانون اخیری التصویب نهوده اند. بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد، ساعات در نظر گرفته شده برای آموزش ضابطان در برنامه‌های تفصیلی کافی نبوده و می‌بایست ساعات بیش تری برای آموزش آیین دادرسی کفخی در نظر گرفته شود. از نتایج دیگر این تحقیق این بود که تطابق و هماهنگی میان سرفصل‌های آموزشی قوه قضائیه و سرفصل‌های آموزشی معاونت تربیت آموزش ناجا وجود نداشته و کمبود پلیس زن در اقصری نقاط کشور جهت انجام بازجویی‌ها مشهود است و به پلیس اطفال در ناجا نفع توجه ویژه‌ای نشده است، هم چنین نحوه صدور و تحویل کارت ضابط برای مأموران نیروی انتظامی از سوی معاونت آموزشی قوه قضائیه به صورت دقیق مشخص نیست.

نفاذی قانون جدید در خصوص وظایف ضابطان، بنگر آن است که معاونت تربیت و آموزش ناجا، ضروری است ضمن ارتباط قوی با دانشگاه پلیس و مسئولین ارشد آموزش قوه قضائیه، شتاب و سرعت خود را جهت تغییر در ساختارها و بسترهای آموزشی، بیشتر نموده و بسترهای لازم برای اجرائی کردن مواد مربوط به ضابطین که منجر به رعایت هر چه بیش تر حقوق شهروندان می‌باشد، به وجود آورد.

شامبیاتی و پروینی (1393) در پژوهشی با عنوان تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی بیان می‌دارند که ضابطین دادگستری به عنوان مأمورانی که در خط مقدم مبارزه با جرم قرار دارند نقش مهمی را در اجرای عدالت کیفری ایفا می‌کنند، زیرا آنان بر اساس قانون مکلفند که پس از وقوع جرم، (در جرایم مشهود بدون نیاز به دستور و در جرایم غیر مشهود با کسب دستور از مقام قضایی) وارد عمل شوند و نسبت به کشف جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، بازجویی از آنان و جمع آوری ادله ی جرم اقدام کنند، کلیه ی این اقدامات از پیچیدگی و اهمیت خاصه ی برخوردار است،

بنابراین داشتن تخصص لازم، شرط اجباری این مأموریت دشوار است، به ویژه در مورد نحوه تعامل و گفت و گو با متهم که مهم ترین بخش این مأموریت حساس به شمار می رود، این مقاله با بیان تعریف مفاهیم و اهداف مدافع حقوق کیفری قراردادی یا عدالت توافقی، دلایل ضرورت تخصصی کردن ضابطین را برای تحقق آن ذکر می کند. سپس به صورت کاربردی، نحوه بازنگری در ساختار ضابطین و تخصصی کردن آنان را (با ذکر اقسام ضابطین، و اشکالات موجود در شرایط کنونی) بیان خواهد کرد.

ساقیان (1393) در پژوهشی با عنوان تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران هدف و جهت گیری آیین دادرسی کیفری، در سال های اخیر، تحت تأثیر «الگوی دادرسی عادلانه» متحول شده است. این تحولات بیشتر مربوط به مرحله تحت نظر (garde-a-vue) بوده که طی آن شخص مظنون به ارتکاب جرم، در بازداشت ضابطان (پلیس) قرار می گیرد. در واقع مقررات ناظر به «مرحله تحت نظر» از این حیث که احتمال نقض حقوق دفاعی افراد، توسط نهادهای متولی تأمین امریت جامعه در این مرحله بیشتر است، تحولات فراوانی را در خصوص حمایت از متهم پیش بینی کرده است. بدین سان، با توجه به گسترش حقوق دفاعی متهم در این مرحله، می توان از این پس مرحله تحت نظر را جزء جدایی ناپذیری فرایند کیفری محسوب کرد. در این مکان می توان به حق برخورداری از وکیل به عنوان برجسته ترین حق دفاعی متهم در هنگام تحت نظر قرار گرفتن افراد نزد ضابطان اشاره کرد. در این نوشتار، تحولات حق متهم برای داشتن وکیل در این مرحله در حقوق فرانسه و ایران (قانون آیین دادرسی کیفری 1392) بررسی خواهد شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضابطین قضایی به عنوان بخشی از دستگاه عدالت کیفری نقش بسزایی در تعیین کننده ای در جریان تشکیلی پرونده های کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارند. با وجود این اهمیت در نظام حقوقی ما، ضابطین قضایی بنا به علل و دلایل مختلف که مهم ترین آن

نارسایی مقررات حاکم است، نمی‌توانند وظایف خود یعنی وظایفی را که در جریان کشف جرم و تعویب متهم می‌و به طور کلی انجام تحقیقات مقدماتی تحت نظارت دادستان بر عهده دارند، به خوبی ایفا کنند (دهقانی، 1386) بنابراین برای اجرای هر چه بهتر وظایف و تکالیفی که بر عهده ضابطین دادگستری گذاشته شده است، آموزش ضابطین به صورت تخصصی از مهم ترین الزامات و رویکردهای دستگاه عدالت کیفری با هدف حفظ حقوق متهم و حقوق شخص تحت نظر در فرایندهای دادرسی کیفری است، بدون تردید آموزش ضابطان قضایی یکی از پارامترهای اساسی و مهم در ارتقای سطح کمی و کیفی فرآیند رسیدگی به جرم است بدون وجود ضابطان آموزش دیده، متخصص و ماهر امکان فراهم آوردن عدالت کیفری مناسب و توسعه قضایی لازم در کشور امکان پذیر نمی‌باشد ضابطان قضایی آموزش دیده و آموزش محور بخشی از اهداف و سیاستگذاری های دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌شوند که وظیفه آنها انجام یکی از مراحل مهم رسیدگی به جرم که همان کشف جرم است، می‌باشد و با توجه به تغییر قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه ضرورت دارد که ضابطان قضایی آموزش های لازم را نسبت به رعایت حقوق شخص تحت نظر در مرحله تحت نظری و تحقیقات مقدماتی گذرانده و نسبت به رعایت حقوق شخص تحت نظر در این مرحله از تحقیقات مقدماتی نقش بی بدیل ایفاء نمایند.

مبانی نظری تحقیق

ضابطین قضایی

ضابطان که در لغت به معنی مباشر، عامل، نگاهدارنده، حفظ کننده، حاکم و نیرومند و قوی در اداره کشور آمده است (انوری، 1378، ص 480). و در اصطلاح حقوقی و قضایی مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان یا سایر مقام های قضایی در کشف جرم، تحقیق مقدماتی، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و پنهان شدن متهم، به موجب مقررات قانون اقدام می‌نمایند (صادق منش، 1351، ص 41). ضابطین دادگستری

مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعالیهات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی، مقدماتی از متهم و نفی جلوگیری از فرار و پنهان شدن او، و سرانجام حفظ آثار و دلایل و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی طبق ضوابط قانونی اقدام می کنند (آشوری، 1376).

مفهوم تحت نظر

آزادی شخصی یکی از مهم ترین حقوقی است که برای انسان به رسمیت شناخته شده و در اسناد بین المللی حقوق بشر هم دولتها موظف به پاسداری از آن شده اند. بر این اساس سلب آزادی از افراد میبایست تنها در موارد خاص به موجب قانون و به دستور مراجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر صورت پذیرد. یکی از تأسیسات قانونی که نتیجه آن سلب آزادی از متهمین است، نگهداری تحت نظر است که بعضاً بازداشت پلیسی نیز خوانده می شود (اردبیلی، 1388، ص 207)

تحت نظر، اختیاری است که به موجب قانون به ضابطین دادگستری اعطا شده تا در صورتی که نیاز باشد در جرایم مشهود، متهم را برای تکمیل تحقیقات و با اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود در نزد خود نگه دارند. این اختیار که مستند به ماده 146 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 است،

در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 1378 نیز در ماده 24 پیش بینی شده بود. از تعریف ذکر شده می توان چند نکته را در باب نگهداری تحت نظر استخراج نمود:

- 1- نگهداری تحت نظر اقدامی است سالب آزادی که به موجب قانون در شرایط خاص مقرر شده است.
- 2- تحت نظر گرفتن متهمین از اختیارات ضابطین دادگستری است و مأموران دیگر دولت چنین اختیاری را ندارند.
- 3- تحت نظر از دیگر اقدامات سالب یا محدود کننده آزادی مانند جلب متهم یا تحویل متهم به زندان متمایز است.

- 4- هدف نگهداری تحت نظر تکمیل تحقیقات است.
- 5- ضابطین مکلفند، تحت نظر قرار دادن متهم را به اطلاع دادستان به عنوان مقام قضایی برسانند
- 6- مدت تحت نظر به موجب ذیل ماده 46 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 حداکثر 24 ساعت خواهد بود.
- 7- سلب آزادی و تحت نظر گرفتن متهمی مجاز است که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد (ذیل ماده 44 ق.آ.د.ک).
- نکته دیگری که اشاره به آن ضروری می‌نماید این است که گرچه تحت نظر نیز همچون بازداشت موقت به سلب آزادی از متهمین میانجامد، اما به معنای بازداشت آنها در بازداشتگاه نیست. بدین ترتیب منظور قانون گذار از «تحت نظر» صرفاً نگهداری م‌ت‌ه‌م در مقر نیروهای انتظامی یا دفاتر کلانتری‌ها یا قرارگاه‌های پلیس برای تحقیق و تکمیل تحقیقات است (اردبیلی، 1388، ص 207).
- به علاوه به موجب مواد 47 و 49 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 ضابطین دادگستری مکلفند حداکثر ظرف یک ساعت پس از اینکه متهم را تحت نظر قرار دادند، مشخصات و علت تحت نظر قرار دادن وی را به هر طریق ممکن به دادسرای محل اعلام نمایند. در مواد مورد اشاره، قانون گذار بر خلاف ماده 24 ق.آ.د.ک. 1378 از بکار بردن واژه «بلافاصله» خودداری کرده و با تعیین مهلت یک ساعته برای اطلاع به مقامات قضایی ابهام موجود در قانون سابق را بر طرف نموده است. بدین ترتیب، اگر چه نفس تحت نظر قرار دادن متهمین ابتدائاً در اختیار ضابطین دادگستری است، با این حال اطلاع به مقام قضایی از سوی قانون گذار ضروری دانسته شده است. اهمیت این مسأله به اندازه ایست که قانون گذار، به موجب ماده 47 ق.آ.د.ک. ضابطین را مکلف کرده است اگر متهمی را در خارج از وقت اداری تحت نظر قرار دادند، حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام کنند و در این موارد دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نموده و در صورت نیاز، با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم

اقدام قانونی به عمل آورد. این تکلیف در راستای اعمال وظیفه نظارتی دادستان بر متهم تحت نظر پیشبینی شده است (آشوری و سپهری، 1392، ص 9) و به نظر می‌رسد، حفظ حقوق متهم تحت نظر و جلوگیری از نادیده گرفتن قانون توسط ضابطین از طریق آگاهی و نظارت یک مقام قضایی از وضعیت متهم تحت نظر قرار گرفته، پیش بینی این ماده قانونی را ایجاب کرده است. به عنوان نمونه متهم بیش از 24 ساعت نمی‌تواند تحت نظر قرار گیرد و اعمال این حق و امثال آن منوط به این است که اگر تحت نظر خارج از ساعات اداری هم اتفاق افتاد، یک مقام قضایی از آن مطلع شود (حیدری، 1394، صص 31-33).

رویکرد آموزشی قانون جدید آیین دادرسی کفتری در مورد ضابطین قضایی

رویکرد قانون جدید آیین دادرسی کفتری نسبت به ضابطین بقوانین بنی‌المالی و الزامات حقوق بشری سازگاری بسط داشته و بسطی از مشکلاتی را که در قانون فعلی در خصوص ضابطین وجود داشته تا حدودی رفع نموده است، هم چنین قانون جدید آیین دادرسی کفتری وظایف جدیدی را متناسب با حقوق شهروندان را به وظایف ضابطین عام اضافه کرده که در صورت عدم رعایت آنها بلعش بطلان مطلق و بی‌نسبی تحقیقات ضابطان می‌گردد. اهم نوآوری‌های قانون جدید عبارتند از:

1- تأکید بر آموزش فرماندهان و درجه داران آموزش دیده جهت انجام امور ضابطین دادگستری (بند الف ماده 29).

بند الف ماده 29 بیان می‌دارد که ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند

2- خروج کارکنان از دایه شمول ضابطین (بند الف ماده 9).

3 - مسئولیت داشتن ضابطان در همه اقدامات قضایی کارکنان وظیف (تبصره ماده 29).

ماده 29 در بیان مصادیق ضابط آورده است که ضابطان دادگستری عبارتند از:

ب- ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان

نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سربازان نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

4- احراز عنوان ضابط بودن مشروط به فراگیری مهارت‌های لازم و گذراندن دوره‌های آموزشی (ماده 30).

5- نظارت مقام قضایی بر آموزش ضابطان و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری (ماده 30).

6- ممنوع بودن اقدامات و تحقیقات توسط افراد فاقد شرایط ضابطی (ماده 30).

7- فاقد اعتبار بودن تحقیقات انجام شده توسط افراد فاقد آموزش مهارت و فاقد کارت (ماده 30)

8- نظارت مستقیم دادستان در دوره‌های آموزشی حین خدمت ضابطان (تبصره یک ماده 30) ماده 30 تصریح می‌کند که «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. این ماده دو تبصره دارد که طبق تبصره یک، دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

تبصره 2 نیز مقرر داشته که آیین نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزرای اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

9- تشکیل پلیس اطفال در ناجا (ماده 31)

ماده 31 قانون جدید نظر به اهمیت رعایت احوال اطفال و نوجوانان در مرحله تحقیقات مقدماتی و با توجه به ویژگی های خاص آنان تصریح کرده است که: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می شود.

10- وجود ضمانت اجرای کفتری برای مقاماتی که امورات قضایی را به مأموری که ضابط قانونی نیست، محول می کنند (ماده 32)

قانون گذار در ماده 32 مقرر داشته که ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می دهند، حق نظارت دارند.

11- مکلف بودن ضابطان در خصوص آگاهی دادن به شاکی در خصوص حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره ای و معاضدت های قضایی (ماده 38)

ماده 38 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 92 ضابطان دادگستری را مکلف ساخته که شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه سازند.

12- ممنوع بودن افشاء اطلاعات مربوط به بزه دیده، شهود و سایر مطلعان مگر به حکم قانون (ماده 40)

قانون گذار در ماده 40 این قانون تصریح می کند که افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می کند، ممنوع است.

13- استفاده از پلیس زن آموزش دیده در خصوص بازجویی از زنان و اطفال (ماده 42)

ماده 42 قانون جدید مقرر می دارد که بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

14- حق تقاضای حضور و کتبی برای متهم با شروع تحت نظر گرفتن (ماده 48)

15- حق داشتن ملاقات با و کتبی برای متهم به مدت یک ساعت با متهم جز در موارد خاص (ماده 48)

ماده 48 این قانون مقرر داشته که با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

16- اطلاع دادن به خانواده، اقوام و آشناان متهم جز در موارد خاص. (ماده 49)

ماده 49 نیز مقرر می دارد: به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند.

پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

17 - تعیین پزشک معاین و معاینه فرد متهم (ماده 51)

ماده 51 آورده است: بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود.

18- آگاه نمودن شخص تحت نظر از حقوق اختصاص یافته مندرج در قانون به صورت کتبی و اخذ امضاء (ماده 52).

طبق ماده 52 هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

19- بطلان مطلق نسبت به بازجویی هایی که همراه با سؤالات تلقینی، موهن و اغفال کننده است (ماده 60).

بر اساس ماده 60، در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

20- ممنوع بودن تحمل هزینه های ناشی از اقدامات قضایی (ماده 62).

ماده 62 این قانون تصریح می کند که تحمیل هزینه های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است.

با نگاهی اجمالی و مقایسه ای تطبیقی با قانون قدیم به وضوح می توان پی برد که آیین دادرسی کفتری جدید، شامل نوآوری های اساسی بوده که اجرای مواد مربوط به ضابطین در

آن نظرمند تغییرات اسامی و برچسب‌ها، در وظایف آموزش ناجا و مسئولین آموزش قوه قضایی می‌باشد. یکی از این نوآوری‌ها، ضرورت آموزش ضابطان به عنوان شرط ضابطیت است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه تحقیقات معتبر، کتب، مقالات، قوانین و مقررات موجود، آراء محاکم قضایی و وبگاه‌های اینترنتی معتبر انجام شده است و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق، نگارندگان مفاهیم تحت نظر، تکالیف و وظایف ضابطین قضایی، مواد قانونی را بررسی نموده و در بعد تحلیلی، ضمن تحلیل تکالیف و وظایف قانونی ضابطان، از جمله تکلیف به احترام به حق آزادی افراد، تکلیف بر مطلع کردن فرد تحت نظر نسبت به اتهام وارده و دلایل آن و تکلیف به اعلام فوری مشخصات فرد تحت نظر و علت نگهداری وی به دادسرای محل و سایر تکالیف قانونی ضابطین قضایی مورد تحلیل و بررسی می‌گردد. در نهایت، با نگاهی کارشناسی به موضوع و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، راهکارهای جامع و کامل در رابطه با تکالیف ضابطین قضایی نسبت به شخص تحت نظر با رویکرد آموزشی بررسی می‌شود.

یافته‌های تحقیق

1- تکلیف به احترام به حق آزادی افراد

حق آزادی از مهمترین حقوق بشری است که در ماده 3 از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 1948 و ماده 9 از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966 و در ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب 1950 مورد تأیید قرار گرفته است. در تعریف آزادی می‌توان گفت: « آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط بر اینکه

آسیب و زیان به دیگران وارد نسازند» (هاشمی، 1378، ص 196). در مجموع باید گفت که انسان آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند این حق را از آن‌ها بگیرد مگر به موجب قانون (طاهری، 1396، ص 41).

اصولی از قانون اساسی وجود دارد که مربوط به آزادی تن افراد می‌شود. اصول 22، 32، 33 و بند 2 اصل 156 این موضوع را بیان می‌کند. در موادی از قانون مجازات اسلامی نیز آزادی تن تضمین شده است. مواد 570، 572، 575، 578، 583، 586 در حمایت از این امر می‌باشد. گروهی بیان می‌دارند، بازداشت متهم و سلب آزادی از وی قبل از محاکمه مغایر با اصل برائت نیست و عده‌ای نیز خلاف آن را عقیده دارند و بازداشت متهم قبل از محاکمه حتی در مرحله پلیسی را در تضاد با اصل برائت می‌دانند. بازجویی و تحقیقات در مرحله تحت نظر پلیس قطعاً یکی از مراحل دقیق و حساس فرایند دادرسی است که در واقع سنگ نخستین بنای دادرسی کیفری محسوب می‌شود و انسجام و استحکام آن در گرو رعایت قواعد و اصول مهندسی قضایی است. در حقوق ما در صورت وقوع جرم (یا الاقل ادعای وقوع آن) سه وضعیت پیدا می‌کند؛ یکی اینکه جرم به صورت غیر مشهود واقع شود (م 44 آ.د.ک) دوم در مواردی که علایم و امارات وقوع جرم مشکوک باشد (م 43 آ.د.ک) و حالت آخر مواجهه با جرم مشهود است (م 45 آ.د.ک) از این سه حالت تنها در حالت آخر است که امکان تحت نظر قرار دادن متهم برای ضابطین و نزد آنها وجود دارد (ر.ک. پرویزی، 1391، ص 81).

علاوه بر موارد بالا در موارد جلب متهم نیز با شرایطی امکان نگهداری او وجود دارد. می‌توان چنین نگهداری را به این صورت تعریف نمود: «نگهداری تحت نظر یا بازداشت پلیسی اختیاری است که به موجب قانون به ضابطین دادگستری (پلیس قضایی) داده شده تا کسانی را که در جرایم مشهود یا در ضمن تحقیقات مقدماتی شواهدی علیه آنها بدست آمده به منظور تحقیقات یا اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود نگهداری می‌کنند» (اردبیلی، 1388، ص 208).

با توجه به تعریف فوق چند نکته قابل استخراج است:

الف- این اقدام یک اقدام سالب آزادی و به موجب قانون و مقررات و با شرایط خاص است.

ب- این حق فقط از اختیارات ضابطین دادگستری است و سایر مامورین دولتی چنین حقی نخواهند داشت و اگر بر خلاف مقررات یک چنین اقدامی صورت بگیرد یک بازداشت غیر قانونی و قابل مجازات است.

ج- این نگهداری با اطلاع مقام قضایی است (یا لاقلاً در اولین فرصت به اطلاع او باید برسد).
د- زمان نگهداری تحت نظر محدود است در حقوق ما حداکثر آن 24 ساعت می باشد و بازداشت بیش از آن غیر قانونی تلقی می گردد.

ه- نگهداری تحت نظر با آنکه آزادی را موقتاً سلب می کند، به معنی بازداشت در بازداشتگاه نیست؛ یعنی با وجود قید عنوان «بازداشت»، این موضوع را نباید با بازداشت موقت اشتباه کرد. پس منظور قانون گذار از این تحت نظر، صرف نگهداری مظنون یا متهم در مقر نیروی انتظامی یا دفتر کلانتری‌ها و یا قرارگاه‌های پلیس برای تکمیل تحقیقات است.

و- ضرورت بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات باید احراز شود. این امکان فقط در صورت وقوع یک جرم مشهود امکان پذیر است. البته این که این ضرورت چگونه توسط ضابطین با توجه به عدم تخصص آنها در زمینه مسائل حقوق کیفری و کشف جرم باید احراز شود معلوم نیست.

ز- با توجه به استثنا بودن این حق، قانون گذار تکلیف کرده که ضابطین بلافاصله یا در اولین فرصت نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام قضایی برسانند. این اطلاع به جهت اخذ تصمیم برای نگهداری متهم یا آزادی او ضروری است (ثابت سروستانی، 1381، ص 160).

تحولی که در این زمینه در قانون صورت گرفته است: «هرگاه فردی خارج از وقت اداری تحت هر عنوان تحت نظر قرار بگیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به

قاضی کشیک اعلام شود. قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن وی اقدام قانونی به عمل آورد.

2- تکلیف بر مطلع کردن فرد تحت نظر نسبت به اتهام وارده و دلایل آن

بند 2 ماده 9 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد: « هر فردی که توقیف می شود باید در زمان توقیف از دلایل توقیفش آگاه شود و سریعاً از اتهامات علیه خود مطلع شود ». این مورد را صراحتاً در قانون اساسی مشاهده می کنیم. اصل 32 قانون اساسی بیان می دارد: هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به فرد تحت نظر ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت 24 ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. در ماده 53 قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده که: «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن و... را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند...» (حسینی و همکاران، 1392، 144 به نقل از ساقیان، 1393، 129)

این تکلیف یعنی مطلع کردن شخص از اتهام از جمله حقوقی است که استثنا ندارد و می توان آن را از جمله حقوق استثنا ناپذیر دانست. (آشوری، سپهری، 1392، ص 16)

3- تکلیف به اعلام فوری مشخصات فرد نظر و علت نگهداری وی به دادرسی محل

در ماده 24 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ذکر شده بود که ضابطان می توانند متهم را در جرایم مشهود به مدت 24 ساعت تحت نظر نگهداری نمایند و تکلیفی در این رابطه که مشخصات شخص تحت نظر و علت تحت نظر قرار گرفتن وی را سریعاً به دادرسی محل وقوع جرم اعلام نمایند برای آنان پیش بینی نشده است.

بدین معنی که ضابطان می‌توانستند فرد تحت نظر را در جرایم مشهود به مدت 24 ساعت تحت نظر قرار دهند بدون اینکه دادرسی محل در این مدت از شخص تحت نظر و مشخصات وی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی اطلاع داشته باشد و تکلیف ضابطان به اعلام به دادرسی در پایان مدت 24 ساعت می‌باشد.

اما تحولی که در این رابطه در قانون جدید مشاهده می‌شود این است که: « به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادرسی محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است» (ماده 41 ق.آ.د.ک). همانطور که در متن بالا نیز قید شده است، تکلیف یاد شده صرفاً جهت نظارت لازم در جهت رعایت حقوق این افراد می‌باشد. البته تحول در این زمینه هم در مرحله کشف جرم و هم در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد زیرا همانطور که ملاحظه می‌شود دادستان نیز تکلیف دارد فهرست کامل افراد تحت نظر را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوطه اعلام کند. اعلام فهرست کامل این افراد به رئیس کل دادگستری استان در پایان هر روز گامی بلند در جهت رعایت هرچه بیشتر حقوق این افراد محسوب می‌شود. زیرا نظارت بر آنان از حوزه شهرستان فراتر رفته و اقدامات مقامات شهرستان در رابطه با افراد تحت نظر زیر ذره بین مقامات استان قرار می‌گیرد. البته اعلام مشخصات افراد تحت نظر به دادرسی و رئیس کل دادگستری استان می‌تواند از طرفی در جهت پاسخگویی به بستگان افراد تحت

نظر باشد زیرا در مورد افراد تحت نظر امروزه مشاهده می شود تا زمانی که افراد تحت نظر به مراجع قضایی معرفی نشده اند در این مدت خانواده های آنان و وابستگان از علت تحت نظر قرار گرفتن وی بی اطلاع می مانند و با مراجعه به محل تحت نظر قرار گرفتن آنان پاسخ مناسبی دریافت نمی کنند (مهدی پور، 1386، ص 34).

4- تکلیف به مطلع کردن خانواده فرد تحت نظر از وضعیت وی

حق اطلاع دادن در زمان تحت نظر پلیس در مقررات اغلب کشورهای اروپایی - به جز ایتالیا که وظیفه اطلاع رسانی پلیس مشروط به رضایت مظنون یا متهم است - در مورد شخص تحت نظر یک امر عادی محسوب می شود (اردبیلی، 1388، ص 221). اما در ایران فقط برای متهمی که تحت قرار بازداشت باشد، آئین نامه سازمان زندانها در ماده 74، امکان ارتباط با بستگان و آشنایان آن هم به وسیله مقدمات و مکاتبه را پیش بینی کرده است. تا قبل از تصویب قانون حقوق شهروندی نه در قانون آئین دادرسی و نه در آئین نامه سازمان زندانها هیچ مقرره ای در خصوص اینکه مسئولین بازداشتگاه ها مکلف باشند تا ترتیبی اتخاذ کنند که فرد زندانی بتواند به خانواده خود در خصوص وضعیت موجود و مراتب بازداشت شدن خود اطلاع دهد، وجود نداشت. در بند 5 ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی آمده است: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مدت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.» در قانون آئین دادرسی کیفری تحولاتی را در این مورد مشاهده می کنیم. در ماده 49 این قانون آمده است: «... والدین، همسر، فرزندان و خواهر و برادر این اشخاص [متهمان تحت نظر پلیس] می توانند از طریق مراجعه مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق در خصوص علت تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد ضروری است.» در ماده 50 همین قانون آمده است: «شخص تحت نظر می تواند

به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند.» همانطور که ملاحظه می‌شود اطلاع یافتن خانواده فرد بازداشت شده از وضعیت وی یکی از حقوق متهم می‌باشد که در قانون جدید به صراحت به آن تاکید شده و می‌بایست فوری انجام گیرد (کوشکی و سهیل مقدم، 1395، ص 209). تشخیص ضرورت عدم استفاده از چنین حقی نیز برعهده مقام قضایی است.

5- حق معاینات پزشکی

ممکن است متهمی که دستگیر شده و امکان رفت و آمد آزادانه برایش وجود ندارد، دچار بیماری و یا اینکه با داشتن سابقه بیماری وضعیت وی با توجه به شرایط بازداشت تشدید گردد. در این حالت لازم است که امکان دسترسی سریع و فوری به یک پزشک معالج برای او وجود داشته باشد به علاوه ممکن است که این فرد بازداشت شده مورد سوء رفتار ماموران قرار گیرد؛ حضور پزشک در کنار او می‌تواند راه را بر چنین سوء رفتاری محدود یا مسدود کند (اردبیلی، 1388، ص 231). این امر می‌تواند جلوی بسیاری از خشونت‌های پلیس را بگیرد و باعث حفظ کرامت انسانی خواهد شد. حق استفاده از پزشک می‌تواند در خیلی موارد ادعاهای واهی متهم مبنی بر شکنجه را نیز غیر قابل قبول نماید و حتی با تشخیص سلامت جسمی و روانی متهم هر گویا انکار، اقرار یا اظهارات توسط متهم یا وکیل او امکان پذیر نخواهد بود و یا لاقلاً کمتر خواهد شد (ثابت سروستانی، 1389، ص 141).

در قانون آئین دادرسی کیفری تحولاتی را در مورد این حق مشاهده می‌کنیم. در ماده 51 این قانون آمده است: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.» همانطور که قبلاً گفته شد گواهی پزشک در این

رابطه می تواند ادعاهای متهم را در رابطه با شکنجه را رد نماید زیرا یکی از اظهارات م تهم نزد قاضی، بعد از زمان تحت نظر، ادعای وی مبنی بر اخذ اقرار با شکنجه است که پیش بینی مورد ذکر شده در آن ماده از ادعاهای واهی می کاهد.

6- تکلیف به منع سوال های تلقینی اغفال کننده و خارج از موضوع اتهام و عدم استفاده از کلمات موهن

هدف در بازجویی از متهمان کشف واقعیت است و شخص بازجو نباید خواسته های خود را بر متهم تحمیل کند. سوال های شخص بازجو باید مفید و روشن در راستای کشف حقیقت باشد زیرا ممکن است طرح این سوال ها به طور غیر آگاهانه متهم را وادار به پذیرش اتهام انتسابی از روی احساسات و عواطف کند. همچنین اغفال متهم در حین بازجویی ممنوع است، و اخذ اقرار از این طریق فاقد اعتبار است. در این رابطه وعده هایی ممکن است ضابطان نسبت به متهمان داشته باشند. وعده هایی از قبیل فرار از مجازات، تخفیف مجازات یا الغای بازداشت موقت ممکن است از طرف ضابطین به متهمان داده شود. اعمال این شیوه از طرف ضابطان نقض حقوق شهروندی است. چرا که متهم ممکن است با محیط بیرون از بازجویی رابطه نداشته باشد یا به لحاظ نداشتن وکیل یا عدم آگاهای از قلمرو اختیارات بازجو ضابط گذاشته که منجر به اعتراف به جرم ناکرده توسط وی شود. بندهای ده، یازده و دوازده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در سال 1383 به تصویب مجلس رسیده است مواردی را در این رابطه تذکر داده است¹.

1- بند 10: «تحقیقات و بازجویی ها باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد». بند 11: «پرسش ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهام های انتسابی باشند و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوع های غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد». بند 12: «پاسخ ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهار کننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد».

7- تکلیف به منع اخذ اقرار همراه با اذیت و آزار متهم

در گذشته، در سیستم دادرسی قانونی اقرار متهم نزد مقامات صالح قضایی، یکی از مهمترین ادله قانونی اثبات جرم تلقی میشد. به همین خاطر در این سیستم ها مامورین قضایی سعی در تحصیل اقرار از متهم با توسل به آزار و اذیت آنها داشته و سپس بر این اساس، وی را محکوم می نمودند. در حالی که اگر بعدها مشخص می شد که وی بیگناه بوده است و اقرار او ببارتکاب جرم در اثر شکنجه بوده است، یا امکان جبران آن نبود یا هیچ اقدامی در جهت رفع تعدی به عمل آمده صورت نمیگرفت. در حال حاضر بعضی از قوانین اساسی کشورها اصل یا اصولی را به این امر اختصاص داده اند، که بر این اساس اخذ اقرار با اذیت و آزار متهم ممنوع است. با این وجود برخی کشورها یا این اصل را پیشینی ننموده اند یا عبارت قانونی آنها وضوح در ممنوعیت شکنجه ندارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از قوانین اساسی مدرن در جهان محسوب می شود، به دلیل اتصال آن به منابع فقهی، اخذ اقرار با شکنجه را ممنوع اعلام نموده است. به موجب اصل 83 قانون اساسی هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. در همین راستا به منظور حفظ حقوق و آزادی های فردی، قانون گذار ضمانت اجراء کیفری این اصل را پیش بینی کرده است.¹

با توجه به عبارات «آزار بدنی» و «مجبور به اقرار» اشکالی که به سیاست اتخاذی قانون گذار وارد است، این که قانون در رابطه با اذیت و آزار برای ادای سوگند و شهادت و نیز آزار و اذیت معنوی صراحتی ندارد، چرا که تصور اذیت و آزار به منظور اجبار به سوگند

1- ماده 578 قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هریک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم میگردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

یا شهادت متداعیین یا اطراف دعوی و همین طور اذیت و آزار روحی و روانی به مقاصد خاص وجود دارد.

8- حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر

امکان حضور وکیل در مدت تحت نظر قرار گرفتن یکی از موضوع هدای مورد بحث میمان حقوقدانان در نظامهای مختلف است ضابطان دادگستری با این استدلال که حضور وکیل امکان کشف حقیقت را با مشکل روبه روی میسازد، حضور وکیل را در این مرحله ضروری نمی دانند (پارادل¹، 1995، ص 169، به نقل از ساقیان، 1393) ماده 48 قانون جدید آیین دادرسی کیفری امکان ملاقات با وکیل با شخص تحت نظر را به مدت یک ساعت در ابتدای شروع تحت نظر قرار گرفتن پیش بینی کرده است ولی این ماده دو محدودیت را در این مورد اعمال کرده است:

نخست، ضابطان دادگستری حق جلوگیری از حضور وکیل را در موارد محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دارند²

دوم در مورد جرمهای مهم مانند جرمهای سازمان یافته و جرمهای ضد امنیت داخلی و خارجی، حق ملاقات با وکیل در ابتدای تحت نظر وجود نداشته و وکیل فقط مجاز است پس از سپری شدن یک هفته از شروع تحت نظر با موکل خود ملاقات کند، بی تردید پیش بینی چنین مواردی در حقیقت اولویت دادن به نظم عمومی و حمایت از جامعه است. انجام تحقیقات محرمانه اولیه و سرعت عمل در حفظ دلایل آثار جرم و جلوگیری از

1- pradel

7- گفتنی است که در مواردی که ضابطان تشخیص دهند با محرمانه بودن حقیقت و مذاکرات در تعارض است باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

آثار سوء جرم ارتكابی در جرائم سازمان یافته، محدود کردن حضور وکیل متهمان
جرم‌های امنیتی را توجیه می‌کند.

نتیجه گیری

مرحله تحت نظر که به نوعی شروع فرآیند کیفری نسبت به یک موضوع به حساب می آید، مرحله ای بسیار حساس و تأثیرگذار در روند رسیدگی به پرونده است. عدم توازن و تساوی وضعیت فرد تحت نظر و ضابطان و عدم ورود مقام قضایی در این مرحله، حقوق فرد را در معرض تضییع قرار می دهد و می تواند سبب تغییر جهت پرونده به شکل غیرعادلانه شود. چنان که بیان شد تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحت نظر قرار دادن افراد توسط ضابطان دادگستری نه به عنوان مرحله ای از فرآیند کیفری و مستلزم وضع مقررات و تشریفات خاص، بلکه به عنوان اختیاری برای ضابطان در جهت پیشبرد تحقیقات و پیشگیری از فرار متهم در جرایم مشهود و مرحله تحقیقات مقدماتی تلقی می شد.

در اینجا، منظور از تحقیقات مقدماتی که یکی از مهم ترین مراحل فرایند کیفری و در واقع زیر بنای آن را تشکیل می دهد، مفهوم عام آن است که در این صورت کلیه اقدامات و تحقیقات مقدم بر رسیدگی دادگاه را که در نهادهای پلیس و دادسرا و در راستای کشف، تحقیق و تعقیب جرائم انجام می گیرد، می توان داخل در عنوان تحقیقات مقدماتی دانست، از این رو مقامات دادسرا باید بر تحقیقات و اقدامات ضابطان دادگستری نظارت کامل داشته باشند و در نهایت بی طرفی تحقیقات را به انجام برسانند تا از این طریق تحقق حقوق کیفری قراردادی یا عدالت توافقی بوسیله تخصصی نمودن و آموزش ضابطان قضایی عملی گردد، زیرا ضابطان عادی توانایی اجرای این سیاست را ندارند و اصولاً در شرایط کنونی پیش گیری و مقابله با جرم در تمامی موارد نیازمند ضابطان متخصص و کارآزموده و آموزش دیده است، به همین دلیل طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی و آموزش آنها و اعطای کارت ضابطیت در برنامه دستگاه قضایی قرار دارد و بهترین راه حل برای این کار، طبقه بندی ضابطان براساس نیاز جامعه و با در نظر گرفتن تنوع ماموریت ها و نوع آموزش های فراگرفته شده آنان است که در مرحله اول این فرایند؛ ضابطان به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم می شوند و کلیه ضابطان مکلفند دوره آموزش عمومی را بگذرانند و در

مرحله دوم ضابطان ویژه برای انجام امور تخصصی از قبیل امور جنایی، رایانه، اطفال، خانواده، میانجی گری، پزشکی و... آموزش های تخصصی خواهند دید، این ضابطان ممکن است در عین حال صلاحیت های عمومی را نیز داشته باشند، هر چند عملاً به صورت تخصصی کار می کنند و نه عمومی تا از این طریق، حفظ کرامت و ارزش های والای انسانی، احترام به آزادی های مشروع، حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش های اسلامی که در گرو اقدامات صحیح و عادلانه عوامل دستگاه قضائی است، تضمین گردد، زیرا مطابق قانون نه تنها محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و اصول و موازین قضایی باشد. بلکه کشف، تعقیب جرایم دستگیری مجرمین و تحقیق و رسیدگی به اتهامات آن ها نیز می بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور مقام صالح قضایی و بر مبنای ارتباط و تعامل صحیح و منطقی اجزا و ارائه آموزش و آگاهی بخشی نسبت به حقوق شخص تحت نظر از سوی عناصر فرایند کیفری صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت های غیر قانونی اجتناب شود.

در نهایت باید یادآور شد که ضابطان برای انجام بهتر وظایف خود از یک سو با خطوط قرمزی نیز مواجه هستند که عبور از آنها برای آن زحمت، مسئولیت انضباطی یا مدنی یا کیفری و گاهی هر سه نوع مسئولیت را به دنبال دارد؛ از سوی دیگر نیز قانون گذار برای تقویت روحیه آنها حمایت هایی را از شغل و وظیفه ماموریت ضابطان به عمل آورده و نادیده انگاشتن این حمایت ها، از سوی اشخاص را با ضمانت اجرای کیفری و مدنی همراه کرده است، لذا آموزش ضابطین قضایی در جهت هر چه بهتر انجام دادن وظایف و تکالیف قانونی و همچنین آموزش و اطلاع رسانی حقوق شخص تحت نظر از سوی ضابطین قضایی و تکلیف قانونی نسبت به رعایت حقوق شخص تحت نظر در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوق کیفری ضروری به نظر می رسد.

منابع

1. آریانی، محمدعلی، (1396)، حقوق متهم در مرحله تحت نظر در پرتو تحولات آیین دادرسی کیفری 1394 با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
2. آشوری، محمد؛ سپهری، روح الله، (1392)، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری، ش 6، صص 3-32
3. آشوری، محمد (1376). آیین دادرسی کیفری 1، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
4. اردبیلی، محمد علی، (1388)، نگهداری تحت نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، سمت
5. انوری، حسن، (1378)، فرهنگ بزرگ سخن، ج 5، تهران، ایران
6. پرویزی فرد، آیت الله، (1391)، دستگیری متهم بدون دستور قضائی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، مطالعات حقوق خصوصی، ش 26، صص 75-92
7. ثابت سروستانی، محمد امین، (1381)، ارزیابی حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری با نگرشی بر قانون حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی
8. حسینی، سید حسین، شایگان فرد، مجید، عرفانی، عطا، (1392)، فرایند تحقیقات جنایی و کشف جرم توسط پلیس ایران با نگاهی به حقوق انگلستان و آمریکا، دانش انتظامی خراسان رضوی، ش 21، صص 115-156
9. حیدری، الهام، (1394)، حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، دیدگاه های حقوق قضایی، ش 71، صص 27-52
10. ساقیان، محمد مهدی، (1393)، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب 92، پژوهش حقوق کیفری، ش 6، صص 113-136
11. صادق منش، جعفر، (1351)، ضابطان قضایی، انتشارات قوه قضاییه، تهران، ایران

12. طاهری، سمانه، (1396)، مطالعه تطبیقی حقوق فرد تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و انگلستان، کارآگاه، ش 38، صص 38-63
13. کوشکی، غلامحسین؛ سهیل مقدم، سحر، 1395، مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا، حقوقی دادگستری، ش 94، صص 185-215
14. مهدی پور، کاظم، (1386)، آنچه که لازم است ضابطان دادگستری بدانند، تهران، مجد، چاپ سوم
15. هاشمی، سید محمد، (1378)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، تهران، دادگستر
16. مرادی، قاسم (تابستان 1397). نقش ضابطین دادگستری در حفظ حقوق شهروندی، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره پنجم، صص 63-75
17. صابر، محمود و عبدالرسول دانش نژاد (زمستان 1393). جایگاه آموزش ضابطان در فرایند دادرسی کیفری (با تاکید بر قانون جدید دادرسی کیفری 1392)، فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، سال دوم، شماره چهارم، صص 193-233
18. شامیطی، هوشنگ؛ پروین، علی (زمستان 1393). تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات حقوقی آزاد، شماره 25، صص 59-71
19. ساقیان، محمد مهدی (زمستان 1393). تحولات حق متهم بر داشتن و کفیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، شماره، صص 103-118
20. دهقانی، فرشید (1386). نقش ضابطین دادگستری در فرایند دادرسی کیفری، پایان نامه دکتری، به راهنمایی دکتر عادل ساریخانی، دانشگاه قم.